

روایت پژوهی

ابزاری برای ارتقای هویت حرفه‌ای معلم

زهره کرمی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید باهنر همدان)

معلمان می‌توانند طبق مراحل زیر از روایت پژوهی استفاده کنند:

مرحله ۱: نوشتن روایت‌ها

روایت‌ها متن‌های داستانی هستند که به وسیلهٔ معلمان در مورد وقایع کلاس درس یا مدرسه نوشته می‌شوند. در این پروژه، هر معلم، چهار روایت دو تا سه صفحه‌ای نوشت که شرح داستان‌های واقعی بودند. هدف از نوشتن روایت‌ها این بود که در خواننده یا شنونده یک تجربهٔ جانشینی از وقایع توصیف شده، ایجاد شود. روایت‌ها بیشتر توصیفی بودند و جزئیات وقایع توصیف شده در روایت‌ها بسیار مهم بود.

فرایند با خواندن روایت‌های معلمان و صحبت کردن در مورد وقایع توصیف شده آغاز شد. این عمل در ابهام‌زدایی و آشنایی با متن روایتی تأثیرگذار است و فرهنگ پژوهش مشارکتی را ایجاد می‌کند. سپس آن‌ها راهنمایی شدند که در نوشته‌هایشان جزئیات بیشتری لحاظ کنند تا خواننده درک واضحی از آن متن‌ها به دست آورد. همچنان که در مورد موقعیت توضیح می‌دادند، از آن‌ها خواسته شد سعی کنند به خاطر بیاورند که در آن زمان، چه فکری می‌کرده‌اند (دیالوگ درونی). سپس دیالوگ درونی را در متن بگنجانند. آن‌ها همچنین می‌بایست احساساتی را که در بخش‌هایی از داستان داشتند، می‌نوشتند. معلمان پیش‌نویس‌هایی را برای بازخورد و بررسی در جلساتی که قرار بود با همکارانشان داشته باشند، تهیه می‌کردند. داستان‌های معلمان مملو از زندگی، دوست داشتن، کشمکش، شادی، رنج و زحمت، یأس و ناامیدی و پیروزی بود. در این پروژه قرار بود معلمان و همکارانشان در یادگیری حرفه‌ای درگیر شوند و فارغ از تفاوت‌هایی که بین بچه‌ها وجود داشت، نتایج برابر و بسیار خوبی را برای همهٔ بچه‌ها ایجاد کنند. معلمان باید روایت‌هایشان را در این خصوص می‌نوشتند و در پایان این مرحله، یک متن مشترک قوی برای مرحلهٔ بعدی فراهم می‌کردند.

مرحله ۲: تأمل روی روایت‌ها

انتخاب برخی جزئیات، به خاطر آوردن گفت‌وگوهای

داستان و روایت از دیرباز ابزاری کارآمد برای آموزش و یادگیری بوده است و معلمان همواره از آن به شکل‌های گوناگون استفاده کرده‌اند. در این مقاله، منظور از داستان و روایت، روایت‌های تجربه شدهٔ واقعی است که می‌تواند مورد استفادهٔ معلمان قرار گیرد. معلمان با خواندن، نوشتن، گفتن یا شنیدن داستان‌هایی از تجارب شخصی خود و دیگران می‌توانند درگیر روایت پژوهی شوند و از این ابزار مفید برای پیشرفت حرفه‌ای خود استفاده کنند. در تعریف ساده‌ای می‌توان گفت روایت پژوهی عبارت است از مطالعهٔ تجربهٔ افراد از طریق داستان‌هایی که روایت می‌کنند. مردم زندگی روزانه‌شان را به وسیلهٔ داستان‌های خود و دیگران شکل می‌دهند. آن‌ها گذشته‌شان را براساس این داستان‌ها تفسیر می‌کنند. از این نظر، داستان، دریچه‌ای است که افراد از طریق آن به یک جهان تازه وارد می‌شوند و از این راه، تجربه‌شان از جهان به‌طور معنی‌داری، تفسیر و ساخته می‌شود. روایت پژوهی، در درجهٔ نخست، مطالعهٔ تجربه از طریق داستان و در درجهٔ بعد، روش تفکر در مورد تجربه است. روایت پژوهی روشی است که مستلزم مشاهدهٔ یک پدیده است. تجربه به‌عنوان پدیده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. فریمن^(۲۰۰۶) بیان کرده است که در اینجا نه تنها بین گذشته و حال، بلکه بین گذشته، حال و آینده ارتباطی دیالکتیکی وجود دارد. افراد براساس تجارب کسب شده از گذشته، می‌توانند حال و آیندهٔ خود را شکل دهند.

لیتمن^(۲۰۱۱) بیان می‌کند که مردم از داستان برای ساخت معنی از زندگی‌شان و درک تجارب انسانی استفاده می‌کنند. استفاده از مطالعه و تحلیل داستان‌ها در روایت پژوهی، ابزار اصلی برای انتقال اطلاعاتی است که از دیگران یاد گرفته شده و در مورد دیگران است. روایت پژوهی ابزاری است که از طریق آن محققان می‌توانند به دیدگاه دیگران پی ببرند و سپس این متن‌های داستانی را با دیگر مخاطبان برای اهداف علمی، سیاسی یا اجتماعی به اشتراک بگذارند.

روش روایتی که در ادامه توصیف می‌شود، فرایند کار روایتی در سه مرحله انجام گرفت:

- (۱) نوشتن روایت‌ها،
- (۲) خواندن و تأمل در مورد آن‌ها، و
- (۳) به اشتراک گذاشتن آن‌ها با همکاران خود.

روایت پژوهی چه نتایجی برای معلمان دارد؟

روشی برای پاسخ‌گویی به این سؤال، بررسی کار روایتی معلمان است. به همین منظور، کار روایتی دو معلم تازه‌کار بررسی شد. هر دوی این معلمان در مدرسه ابتدایی ملوینا^۵ تدریس می‌کردند. مدرسه ملوینا یک مدرسه ابتدایی

در داخل شهر است که در خدمت گروهی از بچه‌های فقیر و طبقه کارگر است. سرنا یک معلم تازه‌کار بود و در کلاس چند پایه اول و دوم تدریس می‌کرد. برخی از دانش‌آموزانش نمی‌توانستند به خوبی انگلیسی صحبت کنند و انگلیسی زبان اولشان نبود. خود سرنا دو زبانه بود و به دو زبان انگلیسی و اسپانیایی صحبت و تدریس می‌کرد. در روایت‌ها او به دنبال فرصت‌هایی برای یاد دادن انگلیسی به بچه‌هایی بود که در کلاس درس، اسپانیایی صحبت می‌کردند. تانیا، همکار او هم یک معلم تازه‌کار بود. تانیا به مدت سه سال در این مدرسه در کلاس چندپایه سوم و چهارم تدریس می‌کرد. اغلب دانش‌آموزان تانیا هم، مثل دانش‌آموزان سرنا، نمی‌توانستند به خوبی

انگلیسی صحبت کنند و انگلیسی زبان اولشان نبود. روایت‌های او بیشتر روی دانش‌آموزانی از جنوب شرقی آسیا متمرکز شده بود. سرنا و تانیا هر کدام روایت‌هایی برای توصیف نمونه‌هایی از فعالیت‌هایشان در کلاس درس نوشتند. هر کدام از آن‌ها باید چهار روایت می‌نوشت. تانیا در پایان هر روایت، تحلیل مختصری از وقایع نوشت. همچنین تحلیل کلی چهار روایت را در پایان فرایند نوشت، اما سرنا این تحلیل را در هر

که اتفاق افتاده است، تفکر در مورد احساسات، به خاطر آوردن اینکه چه کسی چه کاری را انجام داده و چه کسی چه چیزی گفته است و از این قبیل موارد، بخش‌هایی از فرایند نوشتن هستند که معلمان را وادار به تأمل در کار کلاسی‌شان می‌کنند. در اینجا معلمان، روایت‌ها را برای تحلیل صریح‌تر انتخاب کردند. برای ایجاد آمادگی برای انجام این تحلیل، جلسه‌ای برای فکر کردن در مورد نحوه تحلیل ترتیب دادیم. در این جلسه، روش‌هایی برای شناسایی موضوعات، مورد بررسی قرار گرفت و سؤالاتی که در مورد این موضوعات یا وقایع بود، بررسی شد. سؤالاتی هم برای راهنمایی تحلیل در پروژه روایتی پیشنهاد شد؛ برای مثال: روایت‌های شما در مورد موضوع برابری در کلاس درس، چه پیشنهادی داشتند؟ چه موضوعاتی از برنامه درسی و روش تربیتی را آشکار ساختند؟ و...

مرحله ۳: به اشتراک گذاشتن روایت‌ها با همکاران

در اینجا معلمان، روایت‌های پیش‌نویس پایانی‌شان را برای بحث و بررسی بیشتر به همدیگر دادند. آن‌ها با همدیگر آشنا شدند، و گفت‌وگوهایی بین آن‌ها صورت گرفت. در حقیقت، به اشتراک گذاشتن داستان‌های تولید شده به‌عنوان بخشی از گفت‌وگوی مداوم معلمان در مورد کارشان، در مرکز فرهنگ پژوهش و یادگیری قرار گرفت و در سراسر روش روایتی وجود داشت. در این فرایند، ایجاد اعتماد و اطمینان لازم است و یکی از چالش‌های اساسی در این روش به‌شمار می‌رود. برخی از معلمان، دوست ندارند در مورد جزئیات کارشان با دیگران صحبت کنند. لازم است این نگرش تغییر کند و صحبت کردن درباره جزئیات کار یکدیگر به بخشی از فرهنگ معلمان و مدارس تبدیل شود. از این طریق، نادانسته‌ها و مشکلاتی که هر کس خودش نتوانسته است آن‌ها را حل کند، مشخص می‌شود.

برخی از معلمان، دوست ندارند در مورد جزئیات کارشان با دیگران صحبت کنند. لازم است این نگرش تغییر کند و صحبت کردن درباره جزئیات کار یکدیگر به بخشی از فرهنگ معلمان و مدارس تبدیل شود.



مرحله ۱: نوشتن روایت	مراحل انجام روایت پژوهی کدام اند؟
مرحله ۲: تأمل روی روایت	روایت‌ها حاصل تجارب چه کسانی است؟
مرحله ۳: به اشتراک گذاشتن روایت با همکاران	تجارب شخصی هستند یا اجتماعی؟
خود معلم، سایر معلمان و ...	روایت‌ها در چه موردی است؟
هر دو	از چه روش‌هایی برای جمع‌آوری داده‌های روایتی استفاده می‌شود؟
وقایع آموزشی، تربیتی و ... در کلاس و خارج از کلاس	استخراج معانی توسط چه کسی باید صورت گیرد؟
مصاحبه، مشاهده، یادداشت‌های روایتی، و ...	از طریق روایت پژوهی، معلم چه چیزهایی می‌آموزد؟
توسط یادگیرنده؛ در اینجا یادگیرنده، معلمی است که می‌خواهد به پیشرفت حرفه‌ای دست یابد.	
دانش، مهارت، و نگرش حرفه‌ای	
روایت پژوهی در یک نگاه	

نمی‌توانند به خوبی انگلیسی صحبت کنند، اظهار ناامیدی کرده بود و این تفکر در او شکل گرفت که احتمالاً ساختار برنامه مانع از موفقیت آن‌ها می‌شود. به گفته سرنا و تانیا، گفت‌وگوهایی که بین همکاران در مورد روایت‌ها صورت گرفته، در یادگیری آن‌ها بسیار نقش داشته است. آن‌ها مدعی بودند که از این طریق به بینش‌های جدید، سوالات جدید، درک جدید از کار مشارکتی، و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای دست یافته‌اند.

* پی‌نوشت‌ها

1. narrative inquiry
2. Freeman
3. Lichtman
4. equity pedagogy
5. Melvina
6. Tanya
7. reflection
8. grumbling and passion

* منابع

1. Barone, T. (2007). A return to the gold standard? Questioning the future of narrative construction as educational research. *Qualitative Inquiry*, 13(4), 454-470.
2. Clandinin, D. & Rosiek, J. (2007). Mapping a Landscape of Narrative Inquiry; Borderland Spaces and Tensions. In D. Jean Clandinin (Ed.), *Handbook of narrative inquiry; Mapping a methodology*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
3. Connelly, M. F., & Clandinin, J. D. (2006). Narrative inquiry. In J. Green, G. Camilli & P. Elmore (Eds), *Handbook of complementary methods in education research* (3rd ed., p. 447-487). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Freeman, M. (2006). Autobiographical understanding and narrative inquiry. In D. J. Clandinin (Ed), *Handbook of narrative inquiry: Mapping a methodology* (p. 120-145). Thousand Oaks: Sage Publications, Inc.
4. Lichtman, M. (2011). Reading case studies. In M. Lichtman (Ed.), *Understanding and Evaluating Qualitative Educational Research* (pp. 108-138). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
5. Richert, A. (2002). Narratives that teach: Learning about teaching from the stories teachers tell. In N. Lyons and V. LaBoskey (Eds.), *Narrative inquiry in practice: Advancing the knowledge of teaching* (pp. 48-62). New York: Teachers College Press.

روایتی لحاظ نکرد و یک تحلیل در پایان چهار روایت نوشت. همچنین هر دو معلم، تأمل^۷ مختصری در مورد فرایند روایت نوشتند. روایت‌ها و تأمل‌های آن‌ها آشکار کرد که این فرایند، فرصت یادگیری منحصر به فردی برای هر دو معلم فراهم کرده است. از زمانی که هر دوی آن‌ها در آن مدرسه تدریس می‌کردند، نتایج مشترکی را تجربه کرده بودند. مهم‌ترین چیزی که سرنا و تانیا از فرایند کار روایتی‌شان یاد گرفتند، چیزی بود که آن‌ها در مورد دانش‌آموزانشان آموختند. هر دو معلم، کار روایتی‌شان را با تمرکز روی موضوعات زبان و فرهنگ در کلاس درسشان شروع کردند. دانش‌آموزان آن‌ها از بافت‌های فرهنگی مختلف بودند و بافت فرهنگی‌شان با بافت فرهنگی معلمانشان متفاوت بود. روایت‌های این معلمان، احساسات و دانسته‌هایشان در مورد دانش‌آموزانشان را آشکار کرد. هر دو معلم امیدوار بودند که کار روایتی‌شان برای آن‌ها فرصتی جهت یادگیری بیشتر ایجاد کند. روایت‌های سرنا و تانیا آشکار کرد که چگونه «غرغر کردن و علاقه و اشتیاق»^۸ هر دو با هم در فرایند کار روایتی رخ می‌دهند. سرنا مدعی بود که بازخوانی روایت‌هایش به او کمک کرده است تا اطلاعاتی در مورد تدریس خود به دست آورد که قبلاً در مورد آن‌ها هیچ اطلاعی نداشته است. کار سرنا و تانیا نشان داد که چگونه هر مرحله از فرایند کار روایتی (گفتن یا نوشتن روایت‌ها، خواندن روایت‌ها، و صحبت کردن در مورد روایت‌ها با همکاران) به‌طور متفاوتی برای یک تأثیر کلی ادامه می‌یابد. گفتن داستان‌هایی از عمل برای معلمان، فرصتی فراهم کرد تا آن دو روی بخش‌های خاصی از تدریسشان متمرکز شوند و به‌طور عمیق‌تر این بخش‌ها را در کلاس خود مورد بررسی قرار دهند. به گفته تانیا، کار روایتی با نوشتن شروع شد ولی به فراتر از آن گسترش یافت. خواندن روایت‌ها و تأمل روی آن‌ها قدم بعدی بود. تأمل سرنا روی کارش بینشی در او ایجاد کرد که باعث شد تدریسش را به شیوه جدیدی درک کند. او با تأمل روی روایت‌ها متوجه شد که برخی جزئیات چندین بار ظاهر شده‌اند. چندین بار در روایت‌ها از اینکه دانش‌آموزانش